

”

خروجی کار ما،
واقعاً یک محصول
است، محصول
آموزشی. صادرات
آموزشی چیزی
است که ما
خودمان ابداعش
کردیم. زمانی
که به آقای دکتر
عسکری گفتم اگر
فیلیپین پولمان
را ندهد چه
می‌شود؟ می‌گفتند
من می‌گذارم
به حساب اینکه
می‌خواستم یک
کاری برای این
مملکت انجام
دهم و علمی
را نشر بدهم.
می‌دانم سربلند
بیرون می‌آیم

را انجام می‌دادم. آنها فقط حدود ۵ ماه داشتند قرارداد را بررسی می‌کردند که مثلاً چیزی نباشد که بعداً از طرف امریکا برایشان دردسرساز شود. تقریباً یک سال طول کشید تا طرف مقابل متقاعد شد که این دوره برایش اجرا شود، بدون اینکه برایش خطری داشته باشد. ما یاد گرفتیم که در این سختی‌ها، کار را یک جور دیگری تعریف کنیم. یک امتیاز بزرگ ما ایرانی‌ها این است که آن قدر با سختی‌های مختلف روبه‌رو شدیم و برایش راه فرار و راه حل پیدا کردیم که دیگر بن‌بست بریمان معنا ندارد و بالاخره راه برون‌رفتی پیدا می‌کنیم. شاید اگر من یک خارجی معمولی بودم با شرایط خیلی نرمال و طبیعی، شاید یکی ۲ مورد از این مشکلات پیش می‌آمد، می‌گفتم اصلاً چرا اجرا کنم؟ برای من چه دستاوردی دارد؟ که چه شود؟ اینها به علاوه ویژگی شخصیتی خودمان مثل ماجراجویی و ثبات قدم، باعث شد این را اجرا کنیم و پایش بایستیم. دیگر یک سری عوامل و مشکلات بیرونی هستند که باید برایشان راه‌حل پیدا کنیم. خروجی کار ما، واقعاً یک محصول است، محصول آموزشی. صادرات آموزشی چیزی است که ما خودمان ابداعش کردیم. برای من و همکارانم مثل آقای دکتر مسعود عسکری، بیشتر آن ابعاد فناوری نرم این ماجرا مهم بود. زمانی که به آقای دکتر عسکری گفتم اگر فیلیپین پولمان را ندهد چه می‌شود؟ می‌گفتند من می‌گذارم به حساب اینکه می‌خواستم یک کاری برای این مملکت انجام دهم و علمی را نشر بدهم. می‌دانم سربلند بیرون می‌آیم. حالا چه هزینه‌مان را دادند چه ندادند. البته کار ما باز خورد آن‌چنانی در داخل پیدا نکرد و واقعاً دنبالش هم نبودیم، بیشتر باز خورد بیرونی بریمان مهم است که ترویجی باشد برای توانایی‌های ما در حوزه صادرات علمی.

اختلاف ساعت بین ما و کشور هدف که پیدا کردن ساعت مشترک مناسب برای برگزاری کلاس‌ها را سخت می‌کرد. یا پیدا کردن پلتفرمی که هم سرعت و کیفیت و زیبایی در خوری داشته باشد و هم استفاده از آن برای ما و طرف مقابل مشکل‌ساز نباشد. هر کدام از اینها وقت و انرژی زیادی برد. صفر تا صد بخش اجرایی دوره، به عهده خودم بود. ما یک کمیته علمی داشتیم که من و سه نفر از اساتید در آن عضو بودیم و بخش علمی کار را مدیریت می‌کردیم و در بحث تولید محتوا با همه اساتید در ارتباط بودم. اینکه محتوا تکراری نباشد، جذاب باشد، نحوه ارائه به چه شکل باشد همه را با هم چک می‌کردیم. کمیته اجرایی هم خودم بودم. طرف فیلیپینی هم خیلی کند عمل می‌کردند. به نقطه‌ای رسیدیم که دکتر عسکری گفتند که بهشان بگو دیگر اجرا نمی‌کنیم. چون تا شروع دوره زمان کمی مانده بود و آنها خیلی آهسته کار می‌کردند. از طرفی برای اینکه اتفاقات غیرمنتظره دوره را خراب نکنند، اساتید را آوردم نشاندم سر کلاس و گفتم اجرا کنید تا ویدیو آفلاین بگیریم؛ اگر روز کلاس آنلاین هر اتفاقی افتاد، حرف ما زیر سؤال نرود و کلاس برایشان برگزار شود. یعنی تا این حد تدبیر کرده بودیم. دیگر اینکه دوره در خرداد ماه برگزار می‌شد که اینجا ترم تمام می‌شد و اساتید فوق‌العاده سرشان شلوغ و پیدا کردنشان سخت بود. من هم که ۱۰ روز مانده به اجرای دوره، پایم شکست و به عمل جراحی و پلاتین کشیدم. من از بیمارستان هماهنگی‌های دوره

